

یادداشت

بالاترین ضایعات مواد غذایی در جهان پر درآمد



فاطمه پاسبان
کارشناس کشاورزی

● تولید و افزایش محصولات کشاورزی به‌ناچار انتشار گازهای گلخانه‌ای را در پی دارد. کشورهای جهان با تحقیق، مدیریت بهینه و به‌کارگیری فناوری جدید درصد کاهش میزان انتشار گازهای گلخانه‌ای حاصل از تولید محصولات کشاورزی هستند. محصولات کشاورزی (به‌صورت خام یا فرآوری‌شده) توسط مصرف‌کنندگان استفاده می‌شود. اینکه مصرف‌کننده به چه میزان از تولیدات بخش کشاورزی استفاده و انرژی و مواد غذایی موردنیاز خود را از کدام نوع محصولات کشاورزی تأمین می‌کند، می‌تواند بر انتشار گازهای گلخانه‌ای تأثیر داشته باشد. در بحث مصرف محصولات کشاورزی، ضایعات مصرفی به‌عنوان یکی از منابع انتشار گازهای گلخانه‌ای در نظر گرفته می‌شود؛ یعنی ضایعات مصرفی محصولات کشاورزی هدررفت تولیدی است که به‌خاطر آن گازهای گلخانه‌ای تولید شده است. ازهمین‌رو بخشی از ادبیات موضوع کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای به مبحث ضایعات در همه زنجیره عرضه (از تولید تا مصرف) می‌پردازد. در بخش مصرف، هدف این است تا با کاهش ضایعات مصرفی ضمن جلوگیری از اتلاف منابعی که برای تولید آن به‌کار رفته، با کاهش ضایعات، امکان افزایش موجودی محصول برای مصرف سایر افراد جامعه فراهم شود و راهکاری نیز برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای باشد؛ یعنی جلوگیری از اسراف، همان فرهنگی که از دیرباز در فرهنگ ایران توصیه اخلاقی شده اکنون به یک راه‌کار بین‌المللی برای تأمین غذایی جمعیت رویه‌شد و مبارزه با کاهش انشار گازهای گلخانه‌ای مطرح است. گزارش‌ی که سازمان خواربار کشاورزی (فاو) در سال ۲۰۱۱ درخصوص ضایعات و اتلاف مواد غذایی منتشر کرده است، نشان می‌دهد در جهان تقریباً یک سوم مواد غذایی تولیدشده در زنجیره عرضه از ابتدای تولید تا مصرف انسان به هدر رفته که در حدود ۱۰۳ میلیارد تن در سال است. به عبارتی این میزان تولید به زباله مواد غذایی تبدیل شده است. دراین‌میان ضایعات بخش مصرف انسان هم قابل‌توجه و بر حسب کشورهای مختلف متفاوت است. به‌طوری‌که آمار نشان می‌دهد سرانه ضایعات موادغذایی مصرف‌کننده در اروپا و آمریکای‌شمالی در حدود ۹۵ تا ۱۱۵ کیلوگرم در سال است، درحالی‌که این رقم برای کشورهای جنوب صحرای آفریقا، جنوب و جنوب شرقی آسیا بین شش تا ۱۱ کیلوگرم است. ارقام ضایعات بسیار بالای مواد غذایی در کشورهای با درآمد بالا را نشان می‌دهد. به عبارتی جهان پردرآمد در بخش مصرف، بیشترین ضایعات را دارد و در کشورهای با درآمد پایین ضایعات در مصرف کمتر است. بر حسب ماده غذایی، اطلاعات نشان می‌دهد در مراحل مختلف زنجیره عرضه، سهم بخش مصرف قابل‌توجه بوده و بر حسب منطقه جغرافیایی متفاوت است. میزان ضایعات غلات و حیوانات در بخش مصرف برای اروپا ۲۵ درصد، شمال آمریکا و اقیانوسیه ۲۷ درصد، کشورهای صحرای آفریقا یک درصد، کشورهای شمال آفریقا، غرب و مرکز آسیا ۱۲ درصد، کشورهای جنوب و جنوب شرقی آسیا سه درصد و آمریکای لاتین ۱۰ درصد را نشان می‌دهد. همچنین میزان ضایعات گوشت در بخش مصرف برای اروپا ۱۱ درصد، شمال آمریکا و اقیانوسیه ۱۱ درصد، کشورهای صنعتی آسیا هشت درصد، کشورهای صحرای آفریقا دو درصد، کشورهای شمال آفریقا، غرب و مرکز آسیا هشت درصد، کشورهای جنوب و جنوب شرقی آسیا چهار درصد و آمریکای لاتین شش درصد است. برای سبزی‌ها و میوه‌ها میزان ضایعات مصرف برای اروپا ۱۹ درصد، شمال آمریکا و اقیانوسیه ۲۸ درصد، کشورهای صنعتی آسیا ۱۵ درصد، کشورهای صحرای آفریقا پنج درصد، کشورهای شمال آفریقا، غرب و مرکز آسیا ۱۲ درصد، کشورهای جنوب و جنوب شرقی آسیا هفت درصد و آمریکای لاتین ۱۰ درصد بوده و برای شیر میزان ضایعات مصرف برای اروپا هفت درصد، شمال آمریکا و اقیانوسیه ۱۵ درصد، کشورهای صنعتی آسیا پنج درصد، کشورهای صحرای آفریقا ۰۰۱ درصد، کشورهای شمال آفریقا، غرب و مرکز آسیا دو درصد، کشورهای جنوب و جنوب شرقی آسیا یک درصد و آمریکای لاتین چهار درصد برآورد می‌شود. بر این اساس مدیریت هدررفت مواد غذایی توسط انسان یکی از راهکارهای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای است.

گزارش

پرداخت بدهی ۲میلیارددلاری شل به ایران پس از لغو تحریم‌ها

● تسنیم: بن‌یوان بورن، رئیس شرکت رویال داچ شل با اشاره به بدهی دو میلیارد دلاری این شرکت به ایران گفت: به محض لغو تحریم‌ها این مبلغ به ایران پرداخت خواهد شد. به گزارش پایگاه خبری داو جونز، شرکت رویال داچ شل اعلام کرد، در حال مذاکره برای بازپرداخت بدهی معوق بیش از دو میلیارد دلاری خود به ایران در صورت لغو تحریم‌هاست.

به اروپا و آمریکا می‌توان نگاه کرد.

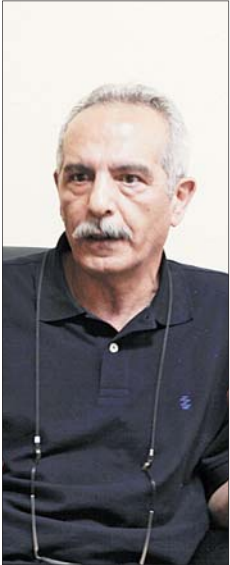
ادامه از صفحه ۴

اینجا می‌تواند به ما کمک کند. چند عامل می‌تواند تله‌های فضایی ایجاد کند: یک عامل، عامل دورانی است که شما از دوره صنعتی وارد دوره پساصنعتی می‌شوید. در آمریکا هم می‌بینید پهنه‌هایی که در طرف شرق آمریکا بود و صنعتی بود مثل دیترویت و امثال آن سقوط کردند؛ چون خود را با روند موجود منطبق نکردند؛ چون کاملاً صنعتی بودند. در واقع زنگ خوردند و به این موارد، پهنه‌های زنگارخوردہ گفته می‌شود. شهرهای ما در دوره‌ای با صنعت آشنا شدند، اما صنعت ما با واردات نابود شد. بنا بود از برنامه چهارم وارد دوران اقتصاد دانش شویم که نشدیم. پس یک عامل که ما را از پا می‌اندازد، همین عامل است که بخشی از مناطق آمریکا را در بر گرفت و توانستند کمابیش به بخشی از آن فائق شوند؛ یعنی تله‌های ثابتی نشد. بعضی جاها هم مثل دیترویت ماندند و اعلام ورشکستگی کردند. در ایران چند مورد از این موارد داریم؟ می‌توانیم بگوییم اراک و اهواز پهنه‌های زنگارخوردہ هستند؛ پس ما همه مشکلات آنها را با شدت بیشتری داریم، زیرا بالاخره در آنجا پهنه غیرزنگارخوردہ وجود دارد که اقتصاد جهان را می‌چرخاند و می‌تواند اقتصاد آمریکا را با اقتصاد دانش بچرخاند، اما ما پهنه غیرزنگارخوردہ نداریم؛ پس دچار تله‌ای در کل جامعه‌مان شده‌ایم. در سیستان و بلوچستان اولین شرکت کشت‌وصنعت ایران و اولین مدرسه فلاح‌ت در سال ۱۳۲۷ در بمپور ایجاد شده، اما آن مدرسه الان تقریباً تعطیل است. چه عواملی در جامعه ما باعث این اتفاق شده است؟ به نظرم رانت‌جویی سیاسی و کژکارکردشن نهاده‌ها. اگر حداقل سیستم سرمایه‌داری مولد داشتیم، لااقل می‌توانستیم حداقل رنج را داشته باشیم. یک عامل دیگر تبعیض‌گذاری است که به آن اشاره شد. این تبعیض‌گذاری در سیاست‌های مسکن و شهری و منطقه‌ای وجود داشته است. در آمریکا در باره سیاه‌پوستان‌ها تبعیض وجود داشت. در سال ۱۹۶۸ قانون عدم‌تبعیض گذاشته شد و این قانون، هم‌اکنون نیز به شدت اجرا می‌شود. در قوانین شهری اروپا، از جداسازی کم‌درآمدها و پردرآمدها جلوگیری می‌کنند. با وجود اینکه قانون اساسی آنها به منوایاتی مانند مسکن و رفاه نپردازته یا در مذهبشان به عدالت تکیه خاصی نشده است، اما قانون عدم‌تبعیض در آنجا وجود دارد. در تفصیلاتی که از قانون‌گذاری می‌کنند، می‌گویند در حومه‌های شهری آمریکا، شهرسازی افاده‌فروش رایج است. به‌همین‌دلیل سیاه‌پوستان و آسیائیان بی‌تارها نمی‌توانند به آنجا بروند که این خود یک نوع تبعیض است، درصورتی‌که در شهرهای‌شان این‌طور نیست. در کشور ما برعکس است و با تبعیض، این افراد به حاشیه شهرها رانده می‌شوند. حداقل این است که آمریکایی‌ها در داخل شهر به امکانات دسترسی دارند و دچار تله فضایی مطلق نمی‌شوند، اما وقتی در ایران، کم‌درآمدها از شهر بیرون رانده می‌شوند و با اقشار دیگر اجتماعی برخورد ندارند، تله فضایی تشدید می‌شود. اخیراً تحقیقی درباره اردبیل مربوط به سال ۹۲ دیده‌ام که بررسی‌های آن، نشان می‌دهد پردرآمدها از شهر خارج و کم‌درآمدها وارد می‌شوند. در واقع جگانه‌ای فقر پیوسته بیشتر می‌شود. کسانی که در سکونتگاه‌های غیررسمی هستند، نسل اول‌شان ممکن است مفری داشته باشند؛ اما در نسل دوم و سوم حتماً به این امر واکنش نشان می‌دهند. نسل دوم و سوم سکونتگاه‌های غیررسمی متوجه می‌شوند که در تله افتاده‌اند. نسل اول از جایی آمده و قبلاً هم خوش‌نشین بوده، اما نسل دوم تفاوت را می‌بیند به‌خصوص اینکه ارتباطات هم بسیار گسترده شده که این امر، تله طبقاتی را تشدید و درعین‌حال بیرون‌آمدن از این تله را غیرممکن

می‌کند، زیرا مدارس سه یا چهار شیفته است، دسترسی به کار بسیار کم است و یک‌سوم سرانه این جمعیت، امکانات حداقلی پایه را دارند. پس این تله فضایی اجازه نمی‌دهد از تله طبقاتی خارج شوند. زمانی که من به مدرسه می‌رفتم از طبقه متوسط بودم و معلم‌مان ما را موظف می‌کرد به کسانی که از خانواده‌های کم‌درآمد بودند، درس بدهیم. ما امکاناتی را که از والدینمان در زمینه درسی می‌گرفتیم به

همکلاسی‌های‌مان منتقل می‌کردیم، اما الان این اتفاق نمی‌افتد، نه‌تنها دولت کمکی نمی‌کند؛ بلکه ارتباط مدنی وجود ندارد که جامعه این افراد را تغذیه کند. اگر یک شهردار در شهر آمریکا بگوید این شهر متعلق به ثروتمندان است، نه‌تنها به او رای نمی‌دهند بلکه دادگاهی‌اش می‌کند چون قانون ضدتبعیض وجود دارد. اگر یک بانک به کم‌درآمدها وام ندهد جریمه و دادگاهی می‌شود. این سیستم هنوز در ایران وجود ندارد و ما میانی حداقل رنج را آماده نکرده‌ایم. به‌این‌ترتیب به سمت حداکثر رنج می‌رویم. این تله‌ها به خاطر برنامه‌ریزی ناقص و ساده‌انگاری‌هایی است که در برداشت از نظام سرمایه‌داری یا رد نظام سرمایه‌داری، نقایض قانونی و یک جامعه مدنی بسیار ضعیف اتفاق می‌افتد. وقتی جلو جامعه مدنی گرفته می‌شود، شهرداری‌ای که قرار بود به مردم خدمت کند، خدمتگزار رانت می‌شود و به‌این‌ترتیب شهرسازی افاده‌فروش که باید در حومه می‌بود، به مرکز می‌آید و یک شهر رانتی را ایجاد می‌کند که خودش یک تله فضایی است.

شیخی: آقای یزدانی گفتند این امر نتیجه سرمایه و



عکس: رونق رستمی، شرق

شهری شدن رانت در تهران

نسل دوم و سوم سکونتگاه‌های غیررسمی متوجه می‌شوند که در تله افتاده‌اند

سرمایه‌داری است؛ اما توضیحشان نشان داد سرمایه و سرمایه‌داری که در جامعه ما پا گرفت، با همه مشخصاتی که داشت، منجر به تله فضایی شد. شاید دلیل آن را باید در همان نحوه‌های شکل‌گیری سرمایه‌داری که نمی‌دانم می‌شود نامش را سرمایه‌داری گذاشت یا نه، جست‌وجو کرد.

یزدانی: به‌رحال سرمایه‌داری با گونه ایرانی‌اش! **شیخی:** آنچه در اینجا پا گرفت، مبتنی بر صنعتی‌شدن دزاری در سیاست است که هیچ تشابهی با نوع خودش در خارج از ایران ندارد و در واقع یک شکل از سرمایه‌داری است که با مبدأ خودش تفاوت‌های بنیادی دارد. بعد هم که نفت کشف می‌شود و افزایش درآمد نفت، یک‌جور سرمایه‌داری نفتی را ایجاد می‌کند که رانت‌خواری خاص خود را به دنبال دارد. در ایران با وجود اینکه شهرنشینی سنت دیرپایی است، یعنی شهرهای تاریخی زیادی داریم، اما شهروندی تا امروز هم دچار مشکل بوده است. در واقع چیزی که در ایران همواره مینا قرار گرفته، نیاز به امنیت بوده و در نتیجه نهادهایی که شکل می‌گرفته، هیچ‌گاه به شهروندشدن مجال نداده است. اینجا شهر و شهرنشینی همزاد صنعتی‌شدن و مولدبودن نیست. در نتیجه، با شکلی از شهرنشینی ناقص مواجه‌ایم که مشخصه‌هایش را همه می‌دانیم.

این شکل شهرنشینی ویژگی‌هایی دارد که از دل آن، حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی به‌وجود می‌آید

و تبدیل به تیپ عام شهر و شهرنشینی ما می‌شود. آمار خیلی اوقات متفاوت است، اما از دهه ۵۰ به

بعد، مرتباً حاشیه‌نشینی تشدید می‌شود. اگر یک روز حاشیه‌نشینی پنج یا ۱۰درصد جمعیت می‌داد، امروز قریب به ۳۰ تا ۴۰درصد جمعیت و مساحت شهرهای ما را تشکیل می‌دهد. بنابراین الان تیپ عام شهر و شهرنشینی ما به گونه‌ای از حاشیه‌نشینی و شکل غیررسمی تبدیل شده که مرتب در حال گسترش است، نه اینکه راه‌حلی وجود ندارد؛ اما به‌نظر می‌آید چون چشم‌اندازی برای تغییر این بنیاد نیست، راه‌حلی نیز برای آن وجود ندارد و به‌نظر می‌آید جز اینکه رنج را تسکین دهیم، کار دیگری نمی‌توان انجام داد.

ما قوانین ما چقدر به ایجاد تله فضایی کمک کرده است؟
یزدانی: در هیچ کشوری مانند ایران، کالایی‌شدن همه‌چیز حاکم نیست. در ایران قوانین شهری کالاست. نظام سرمایه‌داری کلا برای انباشت ثروت به تولید کالا تمایل دارد. در ایران نظام سرمایه‌داری از نوع ایرانی‌اش، حال هر نامی که داشته باشد، نظامی است که میل به تبدیل همه‌چیز به کالا را دارد، یعنی قوانین کاملاً در آن خریدوفروش می‌شود. به‌بودجه امسال شهرداری نگاه کنید که چنددرصد آن از طریق تغییرکاربری حاصل می‌شود؟ جز این است که

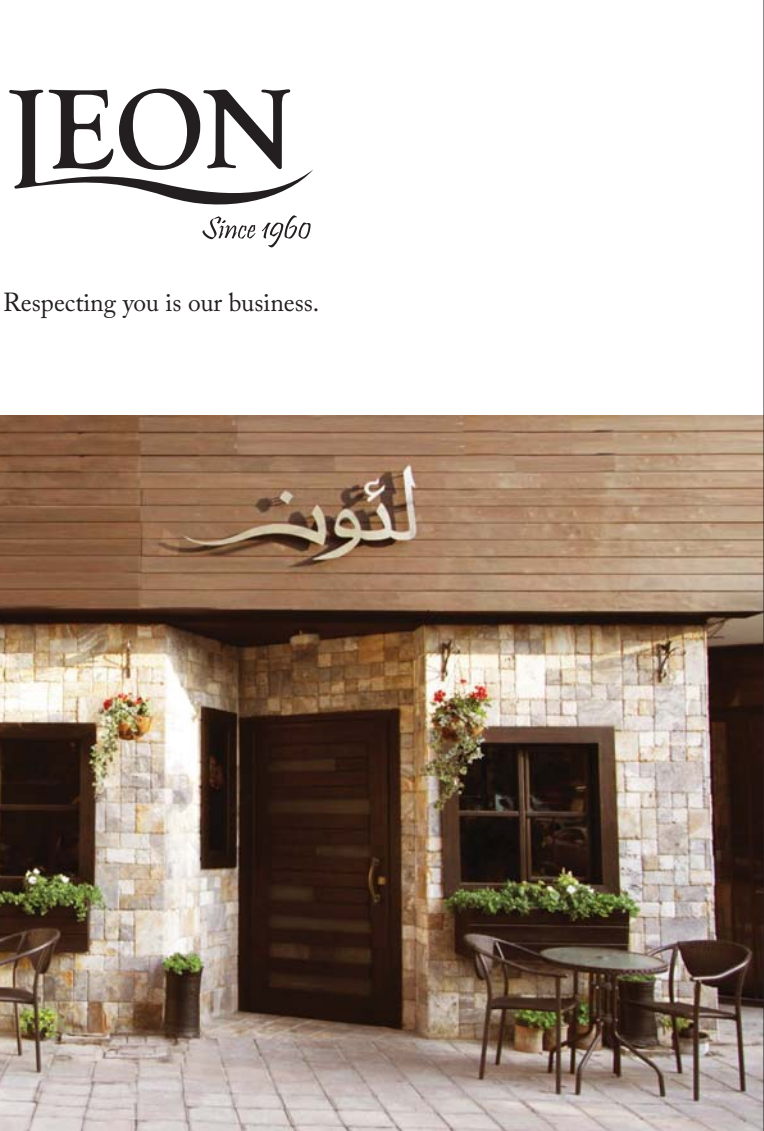
قانون خریدوفروش می‌شود؟ مثلاً طرح ترافیک که سال‌هاست بنیان گذاشته شده، یعنی قانون عدم‌آلودگی، خریدوفروش می‌شود. با وجودی که قوانین مشکل دارد؛ اما مشکل حادث‌ر این است که قوانین تبدیل به کالا شده است. کالایی‌شدن قوانین در عرصه‌های شهری و مسکن و همه عرصه‌ها، خود عاملی است که به صورت حاد، متبلور شده و تا این مورد حل نشود، اصلاح قوانین معنایی ندارد. **اطهاری:** تدقیق این واژه مهم است. در سرمایه ایرانی، هم به سرمایه به معنای نوین توهین می‌شود و هم به ایرانی. این خصوصیات یک دولت رانت‌جو است. دولت رانت‌جو، قوانین را این‌طور سامان می‌دهد و حتی سرمایه‌داران مولدش را هم به اجبار به سرمایه‌داران رانت‌جو تبدیل می‌کند. زیرا سرمایه‌داری که کالا تولید می‌کند و در مقابل، با رانت واردات به کشور صورت می‌گیرد، برای اینکه حداقل کارخانه‌اش را از زیر ضرب رانت‌جو حفظ کند، مجبور است وارد دور رانت شود که بتواند ضررش را در مقابل واردات بی‌رویه کالا جبران کند. در کنار آن، کارگرش وقتی بی‌کار می‌شود، به سرعت در حاشیه شهر خانه‌ای می‌خرد که بتواند از اجاره‌نشینی رها

شود و به‌این‌ترتیب به دست خود در تله می‌افتد. قوانین باید دو خصلت اصلی داشته باشد که توسعه یا حداقل رشد پایدار را تضمین کند: یکی اینکه نهاده‌ها بتوانند علم‌پرور باشند. نهاده‌های علم‌پرور باید دموکراتیک باشند، دانشگاه‌ها مستقل باشد و... دوم اینکه تولیدپرور باشند، نه رانت‌پرور. در واقع اگر نهاده‌ها فقط علم‌پرور باشند، ولی تولیدپروری نداشته باشند، کسانی که علم آموخته‌اند؛ مثل آلمان نازی که خیلی علم‌پرور بود و دستاوردهای علمی بالایی داشت، ضدحقوق‌پشر عمل می‌کند. اگر این نهاده‌ها وجود داشته باشند، موجودیت تله‌های فضایی به استننا تبدیل می‌شود، نه قاعده؛ اما در ایران چون این نهاده‌ها وجود ندارد، برعکس است. از طرفی حقوق شهروندی خودبه‌خود امر مقدسی نیست. اخیراً نقدی نوشتیم که در اتحاد جماهیر شوروی حقوق شهروندی خیلی از لحاظ رفاه اجتماعی بالا تعریف می‌شد، به این شرط که شما فعالیت صنفی نداشته باشید. بنابراین مقوله این است که تا چه حد حقوق شهروندی حقوق‌پشر را تعریف می‌کنند؟ در واقع تعهد دولت در مورد حقوق‌پشر چه میزان است؟ مشکلی که ما پیدا کرده‌ایم این است که نوعی حقوق شهروندی در ایران تعریف شد و ادامه پیدا کرد. در آمریکا حقوق جمعی به رسمیت شناخته شده و اگر

در منطقه‌ای جماعتی خدمات شهری ناکافی باشد، می‌تواند به دادگاه شکایت کند. در واقع اگر نماینده شورای آن منطقه با پورژوازی مستغلات تئانی کرد، وائمی‌ماند و به دادگاه شکایت می‌کنند و در آنجا حق جمعی‌اش به رسمیت شناخته می‌شود. به‌این‌ترتیب نماینده شورا قیم او نمی‌شود، بنابراین مجبور است از حقوقش دفاع کند. این نوع حقوق جمعی در ایران بسیار ضعیف است. در انجمن بلدیة مشروطه، شورای شهر یا انجمن شهر، شخصیت حقوقی دارد؛ یعنی اگر شهردار خطایی کند مردم می‌توانند شکایت کنند. در قانون شوراها که بالاخره در دولت اصلاحات تصویب شد، شورای شهر دارای شخصیت حقوقی نیست. پس ما عقب رفته‌ایم. ما خیلی از این حقوق را در فقه هم داریم. الان اگر کسی می‌خواهد شکایت کند که دیگری به حقوق شهروندی من تجاوز کرده، بنابر قانون «لا ضرر و لا اضرار» به حقوق او رسیدگی می‌شود؛ یعنی از لحاظ فقهی هم زمینه قانونی ما اندک نیست.

روستا: مسئله قانون بسیار اساسی است. بحث ما بیشتر حقوق به معنای حقوق شهروندی است تا قانون. در آمریکا هر شهروند در سال ۶۰ بار در انتخابات مدیر مدرسه، شهردار، پلیس محله و... شرکت می‌کند. پس انتخابات حقوق شهروندی دارد و کسی که انتخاب می‌شود نسبت به شهروندان، مسئول پاسخ‌گوست. اقتصاد ما اقتصاد دولتی بوده و اساساً مدیریت امورات مردم و مملکت به دست دولت انجام می‌شده و دولت قیم مردم بوده که این امر، ریشه تاریخی دارد، بنابراین وقتی سخن از نابرابری به میان می‌آید، به عقیده من نمی‌توان در مورد آقشاری که در سکونتگاه‌های غیررسمی ساکن هستند و به نوعی اجتماعات نابرابر محسوب می‌شوند، با قوانین برابر حقوق شهروندی ایجاد کرد. بنابراین به تدوین قوانین نابرابر نیاز داریم. با توجه به وجود قانون، اتفاقاتی که افتاده، ناشی از نارسایی قوانین است و این نارسایی به دو صورت رخ داده است؛ یا اجرا نشده‌اند یا کفایت نمی‌کردند؛ بنابراین نمی‌توانیم همان قانون را که در بحث ساخت‌وساز داریم، به فرد فقیر هم اختصاص دهیم. همان قانونی که در ولنجک و وغرانبه اجرا می‌شود را نمی‌توان در پیکان‌شهر و باقرباد اجرا کرد. برابری قوانین در تشدید تله فضایی یک نکته انحرافی است. حقوق شهروندی الزامات و نهاده‌های خود را نیاز دارد. نمی‌توانیم آن را به‌عنوان یک واژه لوکس مطرح کنیم. حقوق شهروندی در مقابل مسئولیت و تفویض اختیار و قدرت‌دادن به شهروند است. اگر این اتفاقات نیفتد، حقوق شهروندی در حد یک واژه باقی می‌ماند.

ادامه در صفحه ۱۵



تجربه لحظات گرم و صمیمی

در شعبه نیاوران

نیاوران: خیابان دکتر باهنر (نیاوران)

قبل از دوراهی درازشایب

تلفن : ۰۲۲۷۷۴۴۰۰-۰۲۲۷۷۴۴۰۰

www.leon1960.com

اقتصاد

خبر

سقف تولید نفت اوپک دست‌نخورده باقی‌ماند

● **تسنیم:** وزرای نفت عضو اوپک سقف رسمی تولید این سازمان را در سطح ۳۰ میلیون بشکه در روز حفظ کردند. روتیزر به نقل از سه هیات نمایندگی عضو اوپک اعلام کرد وزرای نفت ۱۲ کشور عضو در نشست امروز جمعه تصمیم گرفتند سقف تولید اوپک را بدون تغییر حفظ کنند. صدوشصت‌وهفتمین نشست اوپک در مقر این سازمان در وین اتریش برگزار شد. به گفته کارشناسان انرژی اعضای اوپک درحال حاضر دومیلیون بشکه در روز بیشتر از میزان تقاضا نفت تولید می‌کنند و با حفظ سقف رسمی تولید در سطح ۳۰ میلیون بشکه در روز نباید انتظار افزایش قیمت نفت را طی ماه‌های آینده داشت. طی یک سال گذشته و در اثر افزایش عرضه و کاهش تقاضای جهانی، قیمت نفت نصف شده است.

رئیس اسبق امور مجامع اوپک که در بیش از ۶۰ نشست این سازمان حضور داشته نیز پیش از این نشست با بیان اینکه به نظر نمی‌رسد شرایط بازار جهانی نفت تا پایان سال ۲۰۱۶ میلادی بهبود قابل توجهی پیدا کند، پیش‌بینی خود را از نشست این دوره وزرای نفت اوپک تثبیت تولید عنوان کرده و گفته بود: ایران کمترین و عربستان بیشترین زیان را از کاهش قیمت نفت دیده است، فریدون برکشلی، دربراه پیش‌بینی خود مبنی بر نتیجه اجلاس این دوره اوپک اظهار کرد: در این اجلاس تقریباً همه وزرا با اعلام مواضع حضور پیدا کرده‌اند و این مواضع حکایت از تمذید شرایط اجلاس قبلی دارد. وی در ادامه با اشاره به اینکه عربستان حتی نشانه‌هایی از تمایل به افزایش سقف تولید را نشان می‌دهد، خاطرنشان کرد: شرکت‌های آمریکایی می‌گویند که نفت شیل یک واقعیت ماندگار است و حتی می‌توانند با قیمت‌های ۴۰- ۴۵ دلار هم کم‌وبیش به تولید خود ادامه دهند. رئیس اسبق امور مجامع اوپک با بیان اینکه کاهش قیمت نفت طی هفت، هشت ماه گذشته حدود یک‌تریلیون دلار را از خزانه اوپک و دیگر تولیدکنندگان به کشورهای مصرف‌کننده منتقل کرده است، تصریح کرد: بیشتر این زیان متوجه عربستان به‌عنوان بزرگترین تولیدکننده و کمترین زیان متوجه ایران شده که صادرات محدودی دارد.